

## " هرکسی از ظن خود شد یار من ! "

اعلام اعطای جایزه ی صلح نوبل ۲۰۰۳، روز جمعه ۱۰ اکتبر (۱۸ مهرماه)، به خانم شیرین عبادی، بحثهای پُردامنه و متضادی را در میان نیروها و افراد مختلف درون حاکمیت و یا در اپوزیسیون دامن زده است.

جای شکی نیست که اگر این جایزه به ابوالهول‌هائی از قماش خامنه‌ای، رفسنجانی و عسکراولادی داده می‌شد، حاکمین رژیم ۷ شبانه‌روز شادمانی و جشن و سرور سراسری را به مناسبت "این پیروزی اسلام" (!) ترتیب داده و در وصف جایزه نوبل قلم فرسایی می‌کردند و اگر قرعه به نام خاتمی، کرویسی، بهزاد نبوی و امثالهم می‌افتاد، نق زندهای تمامیت‌خواهان شروع شده و تازه علت این "پیروزی" را ناشی از برکات وجود "رهبر" می‌دانستند و "اصلاح طلبان" نیز به نوبه ی خود، حقانیت شان را جار می‌زدند!

اما این جایزه اکنون به خانمی از میان "اصلاح طلبان" خارج از حاکمیت داده می‌شود و لذا با استدلال‌های ۱۸۰ درجه مخالف تمامیت‌خواهان و غرولند "اصلاح طلبان" درحاکمیت روبه‌رو شده و از جمله خاتمی پس از تردید و تعلل، اظهار فضل نمود که گویا جایزه ی صلح مهم نیست و سیاسی می‌باشد. مهم جوایز دیگر از جمله در ادبیات و غیره است! (نقل به معنا)

در میان نیروهای مخالف رژیم نیز ارزیابی‌هایی از "افتخار آفرین" بودن این جایزه تا "نفی دریست" آن مطرح گردیده است.

در برابر این آشفته بازار ارزیابی‌ها، روشن‌گری و اعلام موضع ضرورتی عاجل یافته است تا نیروهای انقلابی و کارگران و زحمت‌کشان از طریق سنجش نظرات عرضه شده، درست‌ترین آنها را برگزینند و یا آنها را بشناسند.

مقدمتا باید اشاره کنیم که حتا اعطای جایزه‌های نوبل در علوم و ادبیات، هیچ‌گاه در ماورای سیاست‌های وقت بورژوازی امپریالیستی و منافع سرمایه، صورت نگرفته و از جمله پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، بیش از ۵۰ سال دانش‌مندان و نویسندگان شوروی اساسا مورد بی‌مهری کمیته‌ی تعیین نامزدهای جایزه ی نوبل منتخب آکادمی سوئد، قرار گرفتند و پس از تغییر ماهیت رژیم حاکم بر شوروی، اعطای این جایزه با اهداف مشخص، به برخی از آنها صورت گرفت. نزدیک‌ترین نمونه برای ایرانیان نیز، عدم انتخاب احمد شاملو، شاعر توانا و معروف ایران بود که دیدگاه‌هایش با دیدگاه بورژوازی، هم‌خوانی نداشت.

نگاهی به لیست دریافت‌کننده‌گان جایزه ی صلح در سالهای گذشته نیز نشان می‌دهد که کاندیداها نه بر اساس دفاع جانانه از صلح و آزادی، بلکه براساس مصالح وقت‌کل و یا جناحی از کشورهای امپریالیست، صورت گرفته است.

امسال نیز اگر قرار بود فرد با جریانی نماینده و مبارز واقعی صلح در جهان باشد، این ۱۵ تا ۳۰ میلیون مردم کارگر و زحمت‌کش و نیروهای مدافع صلح بودند که با ترتیب دادن تظاهرات عظیم و بی‌سابقه ی جهانی، مخالفت آشکار خود را با جنگ افروزی و تجاوز ارتشهای امپریالیستی آمریکا و متحدین‌اش به عراق، قبل از شروع حمله، نشان داده و اعلام کردند که این تجاوز نه به خاطر برقراری صلح و آزادی در عراق، بلکه برای به‌استعمار کشاندن مجدد خاورمیانه و دست‌یابی به منابع انرژی آن است. صحت این امر را گرگ‌تازی‌های امپریالیستی به‌وضوح نشان داد. امپریالیسم آمریکا و متحدین‌اش، هم‌اکنون از فلسطین اشغالی تا عراق و افغانستان، جهنمی بزرگ برای مردم فقیر و زحمت‌کش منطقه ساخته‌اند و برای دست‌درازی به سوریه و ایران و به‌زیر قیمومیت کامل درآوردن آنها، توطئه می‌کنند.

در ایران نیز اگر جریانی مستحق این جایزه بود، در درجه ی اول کارگران، دانش‌جویان،

معلمین، پرستاران، روزنامه‌نگاران، نویسندگان، هنرمندان و زندانیان سیاسی بودند که مبارزه‌ی سختی را در دفاع از آزادی و حقوق بشر به‌طور مستمری ادامه داده و انواع مشقتها را تحمل کرده‌اند.

و اما جایزه‌ی صلح برای خانم شیرین عبادی نیز که در انبوه مبارزان راه آزادی، برای آزادی زنان، دفاع از کودکان و زندانیان سیاسی و در کسوت زنی مسلمان، فعالیت کرده‌است، شمشیر دولبه‌ای است که از یک سو با دید مخالفت با عمل کرد تمامیت خواهان با انتخاب نامزد زن برای جایزه، سوء استفاده از آن برای ارائه‌ی چهره‌ای دموکراتیک و مدافع زن، پیش‌بردن سایر مقاصد امپریالیستی و موافقت و تایید "اصلاح طلبان"، صورت می‌گیرد و از سوی دیگر پراکندن این توهم می‌باشد که گویا قوانین اسلام با حقوق دموکراتیک زنان سازگاری دارد و خود خانم عبادی نیز مبشر این ادعای سرتاپا نادرست است! این حرکت‌های رفرمیستی، حفظ نظام، با انجام برخی اصلاحات نیم بند، را مد نظر دارد و با خواست مردم در رویدن کامل بساط دین از دولت، استقرار حکومت شوراهای کارگران و زحمت‌کشان و پایان دادن به نظام طبقاتی، از طریق حرکت برای از بین بردن مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله، استقرار دموکراسی وسیع کارگران و زحمت‌کشان و ادامه‌ی انقلاب تا به آخر و تحقق جامعه‌ای انسانی که در آن "یکی در خدمت همه و همه در خدمت یکی باشند" (مارکس)، مغایر است.

اکنون که قرعه‌ی جایزه‌ی صلح نوبل به نام خانم شیرین عبادی زده شده، ضروری است که وی با توجه به معروفیت جهانی‌اش، خیالات واهی را، در تحقق خواسته‌های زنان، کودکان و زندانیان سیاسی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و مبارزه در آن چارچوب، کنار گذاشته و برای آزادی زنان، و دفاع از حقوق کودکان و زندانیان سیاسی و غیر سیاسی براساس دست‌آوردهای بشریت مترقی و انقلابی، فعالیتش را دوچندان کند.

۲۳ مهرماه ۱۳۸۲ - حزب رنجبران ایران